

شخصیت مربی

در شماره 30 نشریه، مطلبی تحت عنوان "مربی کیست" از نظر خوانندگان گذشت. در این شماره هم با نگاهی به نوشته های مرحوم د- اسدالهی تحت عنوان آئین مربیگری به بحث دیگری در ارتباط با شخصیت مربی اشاره می شود.

شخصیت مربی مربوط به صفات و حالاتی می شود که شاگرد آنها را می بیند و با توجه به جمیع آن حالات و حرکات و رفتارها و کردارها مربی خود را می شناسد. همه حرکات و رفتار مربی بر لوح ضمیر شاگرد نقش می بندد. روی این اصل است که گفته می شود یک مربی در برابر شاگرد خود در ارتباط با همه رفتارها و حرکات خودش مسؤول است. یعنی این که مربی همیشه با وسواس خاصی باید مراقب رفتار خودش در حضور شاگردانش باشد. در چنین مواقعی هر خطایی که از مربی سر بزند و مرتکب بشود برای شاگرد از اهمیت خاص برخوردار می شود و برای همیشه در پرونده ذهن آنها باقی می ماند.

آن مرحوم می نویسد: "مربی باید چنان مراقب رفتار و کردار خود باشد که به صورت مجسمه قداست و نیکی درآید. نه تنها در محضر که در خلوت نیز باید چنین باشد تا نیکی در جان او جا گرفته و با باور و یقین او پیوند خورد".

حکایت

کسی نزد ادیبی رفت که در خانه نشسته بود. ادیب مرتب، پاکیزه، قبا، لباس کامل و از روی آداب رسمی در جای خود قرار گرفته گویی در محضر بزرگی با شاگردی حضور یافته است. میهمان وارد شده که سر زده آمده چنین انتظاری نداشت. از ادیب پرسید آیا منتظر کسی بودید؟ ادیب می گوید: نه! می پرسد: پس چرا چنین مرتب و منظم نشسته اید؟ آیا مقام محترمی به دیدار می آید؟ ادیب پاسخ می دهد: خودم کسی هستم و اینجا نشسته ام.

آن کسی که مربیگری می کند و خود را در تربیت و پرورش نسل آینده ورزش، مسؤول می داند باید بداند و با تمام وجود درک بکند که باید در حضور شاگردانش مرتب باشد و رفتاری نیک و پسندیده و قابل قبول از او سر بزند.

اگر یک مربی نتواند و نخواهد احترام خودش را حفظ کند مسلماً از دیگران نباید انتظار حرمت و احترام داشته باشد. این مربیان هستند که باید به حرفه خود احترام بگذارند، مادام که چنین حرکتی از سوی آنها مشاهده نشود توقع از دیگر اقشار برای احترام گذاشتن به آنها عملی بیهوده و نشدنی است.

یکی از مشکلاتی که جامعه مربیان استان را در برخی از رشته ها تهدید می کند همین عدم حفظ احترام این قشر توسط خود جامعه مربیان است. این که مربیان نتوانند یکدیگر را تحمل بکنند و چشم دیدن موفقیت یکدیگر را داشته باشند آفت بزرگی است که حرمت و قداست این قشر را می تواند زیر سؤال ببرد. مربی که به خاطر یک وعده غذا اصول را زیر پا می گذارد و زیر آب زنی را در دستور کار قرار می دهد، نمی تواند برای شاگردان خود آینده خوبی ترسیم بکند.

مربی باید همواره از یک آراستگی در ارتباط با پوشیدن لباس برخوردار باشد. در ارتباط با معنی و مفهوم آراستگی آن مرحوم می نویسد: "آراستگی به معنی این است که برابر عرف و آشنایی مردم بپوشد و خود را به شکل عجیب و غریب در نیارد و در عیت حال تمیز و مرتب باشد. کهنگی لباس عیب نیست ولی کثیفی و نامنظمی عیب است که شاگرد را به سوی لالابالی گری سوق می دهد".

یکی دیگر از عواملی که می تواند در شاگردان اثرگذار باشد حرف زدن مربیان است. مربی برای موفقیت در وظایف و رسالتی که بر عهده دارد باید به حرف خود مسلط باشد. یک مربی موفق و ششدانگ باید آن چیزی را که در نظر دارد آرام، شمرده، منظم و به طور خلاصه بیان بکند و برای هر حرف دلیل کافی در اختیار داشته باشد.

متأسفانه در فوتبال ما هستند مربیانی که زبانشان به بدگویی و ناسزا گفتن عادت کرده است و این کار را جزء افتخارات خود به شمار می آورند. این را باید دانست که بدگویی و ناسزا گفتن، مربی را بی حرمت می کند. مربی اگر بخواهد زیاد حرف بزند و امکان حرف زدن دیگران را فراهم نکند سخنش بی مقدار می شود.

مربی که نتواند عنان زبان خود را در اختیار داشته باشد و آن را با به کار بردن کلمات ناشایست به حرکت در نیارد در کار خود نمی تواند سری در میان سرها درآورد. می توان دهها مثال برای این ادعا پشت سر هم ردیف کرد. تجربه این را ثابت کرده است که مربی هتاک هیچوقت نمی تواند نقش خودش را به خوبی بازی بکند و در فردای شاگردانس تاثیر گذار باشد.

مرحوم د- اسدالهی به یک نکته مهم در این ارتباط اشاره می کند :
"کار مربیگری از تمام کارهای جهان دشوار تر است. بهترین فرمولی که پیشنهاد می کنم این است:

مربی باید آدم باشد تا آدمی تربیت کند."